

## این در، بر همان پاشنه می چرخد

## جنبش ۱۸ تیر، ستاره درخشانی در مبارزات دانشجویی

نزاع و کشمکش میان جناح های حکومتی پایان ناپذیر است. بحران عمیق اقتصادی و سیاسی 'زمینه ساز این مشاجرات و تشدید روزافزون آن است. آغاز دوره جدید ریاست جمهوری خاتمی' با دور جدیدی از منازعات که تماما در کسب امتیاز و منفعت بیشتر ریشه دارد، همراه بوده است. جناح خاتمی که فضای بعد از ۱۸ خرداد را جهت کسب امتیاز از جناح مقابل و به دست آوردن سهم بیشتر مساعد یافته بود، برآن شد تا بار دیگر شانس خود را از طریق مجلس که اکثریت آن را با خود دارد، بیازماید. این جناح و همه دنباله روان ریز و درشت خاتمی که پیرامون انتخابات بی نظیر، رفراندوم بزرگ، آری بزرگ به سیاست های خاتمی، نه بزرگ به مخالفان اصلاحات و چیزهای "بزرگ" دیگری از همین قبیل، تبلیغات دامنه داری به راه انداخته بودند تا این دروغ بزرگ را پی بگیرند و اشاعه دهند که جمهوری اسلامی و یا دست کم جناح "اصلاح طلب" آن می خواهد و می تواند با استفاده از ابزارهای قانونی و در چارچوب همین نظام، به نفع مردم دست به اصلاحات بزند، در فضای ایجاد شده و برای جلب افکار عمومی، بهر رو باید دست به کاری می زد و توان و ظرفیت خود را یک بار دیگر به نمایش می گذاشت. از همین رو طرح تحقیق و تفحص در مورد صدا و سیما، بلافاصله بعد از انتخاب مجدد خاتمی در دستور کار مجلس قرار گرفت و به یکی از مباحث داغ و مورد اختلاف دو جناح هم در داخل و هم در بیرون آن تبدیل شد. معهذرا قبل از آنکه جناح خاتمی و فراکسیون اکثریت مجلس نسبت به نقش و پتانسیل خود به توهم دچار شود، کربوبی رئیس مجلس این طرح را مخالف آئین نامه داخلی مجلس (ماده ۱۹۸) خواند و آن را از دستور کار مجلس حذف نمود و بدین ترتیب باردیگر فرمایشی بودن مجلس را در برابر چشم نمایندگان آن قرارداد. در اثبات مصلوب الاختیار بودن مجلس و نمایندگان آن، این بارحتی به حکم حکومتی

صفحه ۲

از آن هنگام که جمهوری اسلامی با برقراری خشن ترین سرکوب و اختناق بر اوضاع سیاسی ایران مسلط شد، تا امروز که سابقه ۲۳ سال حکومت توأم با ترور، وحشت و سلب ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی مردم را دارد، مبارزه علیه ارتجاع سیاه اسلامی و برای کسب آزادی، حتی برای لحظه ای نیز متوقف نشده است. در این سالها طبقه کارگر یک آن از مبارزه دست برنداشته است. مبارزه زنان علیه قوانین عهد بربریت امری مداوم بوده و پایداری و استقامت دهها هزار زندانی سیاسی - که هزاران تن از آنان جان خود

را نیز در دفاع از آرمانهایشان از دست داده اند - همچون رشته سرخی تداوم داشته است. اعتصابات کارگری، و شورش های توده ای در شهرهای مختلف ایران، همگی نموده های از مبارزه مداوم علیه حکومت چهل و خرافه؛ سرکوب و استثمار بوده اند. با این حال، جنبش ۱۸ تیر که در خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران جرقه زد، به سرعت به خیابانهای تهران و به شهرهای دیگر گسترش یافت و به یک جنبش توده ای تبدیل شد، از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

صفحه ۳

## منازعه بر سر سهم هر جناح از رشوه قراردادهای نفتی ست

باتشدید تضادها و کشمکشهای درونی هیئت حاکمه، مسئله قراردادهای موسوم به بیع متقابل و سوء استفاده های مالی مقامات دستگاه دولتی به یک مسئله مورد مجادله و افشاکاری جناحهای رژیم علیه یکدیگر تبدیل شده است.

انعقاد قراردادهای بیع متقابل میان جمهوری اسلامی و انحصارات بین المللی، هرچند که اکنون به یک مسئله داغ مطبوعات رژیم تبدیل شده و جناح های رژیم له و علیه آن می نویسند و می گویند، از دوران زمامداری

رفسنجانی به عنوان یک شیوه مرسوم در مناسبات میان سرمایه داخلی و بین المللی درآمد. رفسنجانی که مجری پیشبرد سیاست های نهادهای وابسته به دولتها و انحصارات امپریالیست، نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی بود تا بدین طریق گویا بر بحران اقتصادی غلبه کند، از طریق گسترش قرار دادهای بیع متقابل زمینه را برای صدور سرمایه های بین المللی به ایران فراهم نمود.

صفحه ۸

## اعتراضات و تظاهرات

### توده ای علیه کمبود و قطع آب

اما این رژیم جز فقر، بدبختی، بیکاری و فلاکت چیز دیگری عاید مردم نکرده است. در این ۲۳ سال میلیاردها دلار ثروتهای این کشور که حاصل دسترنج کارگران ایران بود، غارت و چپاول شد. صدها میلیارد دلار حاصل از فروش نفت را به جیب زدند و هزینه نیروی سرکوب خود کردند. عاید مردم جز فقر، بیکاری و گرسنگی چیز دیگری نشد. گرسنگی

صفحه ۵

مسئله کمبود آب و جیره بندی آن به یکی دیگر از بی شمار معضلات مردم ایران افزوده شده است. در حالی که توده های مردم ایران با گرمای شدید تابستان روبرو هستند و بیش از هر فصل دیگر به آب نیاز دارند، به دستور مقامات دولتی آب جیره بندی شده است و هرچند روز یک بار آب مورد نیاز مردم به کلی قطع می شود. ۲۳ سال است که رژیم جمهوری اسلامی برای آن حاکم شده است،

### در این شماره

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان ۵  
گزیده ای از نامه های رسیده ۷  
اخباری از ایران ۳  
اخبار کارگری جهان ۴

### مبارزه طبقاتی و

### رهائی زنان (۱۰)

صفحه ۶

## این در، بر همان پاشنه می چرخد

هم نیاز نبود. برای رئیس مجلس که می دانست "مفسراختلافات" شورای نگهبان است، فقط پیغام این ارگان که "صدا و سیما تحت نظارت مستقیم رهبری قرار دارد و مجلس اجازه تحقیق و تفحص در مورد آن را ندارد" کفایت می کرد تا دست فراقسیون اکثریت را در پوست گرد و بگذارد و بار دیگر جایگاه مجلس در ساختار حقوقی حکومت اسلامی را به آن یادآوری کند.

وقتی که او تحت فشار فراقسیون اکثریت مجلس نامه ای به رهبر نوشت که "اجازه" بدهد این ماده آئین نامه داخلی مجلس اصلاح شود تا مجلس هم به طور عام از حق تحقیق و تفحص برخوردار گردد، خامنه ای نیز در پاسخ کوتاهی و زیرکانه، برای خارج ساختن خود از زیر ضرب مستقیم، رسیدگی به این موضوع را بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام محول کرد. اما رئیس مجمع، هاشمی رفسنجانی که قبلاً در مجمع تشخیص مصلحت اش، مصلحت دانسته بود جلو چنین بحثی را در مجلس بگیرد و حق نمایندگان را به تحقیق و تفحص در مورد نهادهایی که زیر نظر رهبری است، سلب کند، از پرداختن به این موضع پرهیز کرد، توپ را مجدداً به زمین رهبری انداخت و رسیدگی به این مسئله و تصمیم گیری در مورد آن را به خامنه ای ارجاع داد.

به دنبال این اقدام، جنجال بر سر این مسئله در مطبوعات و مجلس بالا گرفت. در حالیکه برخی از مرتجعین وابسته به جناح رهبر، ارجاع موضوع تحقیق و تفحص توسط رفسنجانی را به ولی فقیه امری عادی و قانونی می دانستند، پاره ای دیگر از مرتجعین وابسته به فراقسیون اکثریت که چشم به کرامات مجمع تشخیص مصلحت بسته بودند، آن را غیرموجه و موجب اتلاف وقت خوانده و نیات رفسنجانی را در این زمینه، مورد سؤال و کنجکاوی قرار دادند. سواى جنجال های لفظی و مشاجراتی که هر لحظه تند تر می شد، اقدامات تهدیدآمیز و اعمال فشار جناح خامنه ای بر مطبوعات و نمایندگان کهروی این طرح پا فشاری می کردند ادامه داشت. قوه قضائیه با صدور یک حکم محکومیت سیزده ماهه برای یک نماینده مجلس، سعی کرد جناح اکثریت را از پی گیری موضوع منصرف سازد. سخنان جنجالی پیرامون قرار دادهای نفتی و این که او اطلاع دارد چه کسانی از قبل این قراردادها میلیون میلیون به جیب زده اند، اوضاع را باز هم متشنج تر ساخت. وزارت نفت با صدور اطلاعیه ای

ضمن "تکذیب"، "اتهام جنجالی"، "اتهام جنجالی"، "اتهام جنجالی" و "اتهام جنجالی" درخواست اگر اطلاعاتی دارد ارائه کند و جنجالی در پاسخ گفت به زودی اطلاعات خود را در اختیار قوه قضائیه خواهد گذاشت. تشدید مناقشات دو جناح و دعوا بر سر این که چه کسانی از این خوان بیغما بیشتر چپاول کرده اند و یا در آینده سهم بیشتری به خود اختصاص دهند، اندک اندک کار را به جاهای بسیار باریک می کشاند و ابعاد فساد در تمام دستگاه حکومتی را عریان تر می ساخت، تا اینکه رفسنجانی که خودش یکی از دزددهای بنام و درجه اول نظام است و می داند که سوء استفاده و دزدی و رشوه خواری و چپاول اموال و ثروت های عمومی، منحصر به این یا آن فرد و جناح نیست، بلکه تمام مسئولین درجه اول و کل دستگاه حکومتی غرق در دزدی و فساد است، می دانست و می داند که ندادن این مناقشات هیچ سودی برای جناحها ندارد که هیچ، به زیان همه آنها تمام خواهد شد، این خطر را هشدار داد و بار دیگر خواستار آتش بس شد!

هشدار رفسنجانی البته با حمایت ضمنی از جناح خامنه ای و حمله موزیانه به برخی مطبوعات طرفدار جناح خاتمی توأم بود. رفسنجانی در نماز جمعه پانزدهم تیرماه، آشکارا از "شرارت های" رسانه های بیگانه و "استکباری" و بعضی رسانه های داخلی و "یکی" شدن آنها سخن گفت. او یک بار دیگر "مشاجره" نزع، تهمت و طرد همدیگر را زیان آور به حال نظام خواند و چنین مطرح ساخت که "مشاجرات و فضای تند سیاسی در کشور" به حدی رسیده است که قدرت تصمیم گیری از مسئولین را سلب نموده است. رفسنجانی از مسئولان کشور و نیروهای هم طراز خویش درخواست نمود به این مسائل بیشتر بیاندیشند، به شرایط حساس موجود توجه و اوضاع را مهار کنند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت با اذعان و اشاره به نابسامانی در عرصه اشتغال و معضل مواد مخدر، خصوصاً با اشاره به شرایط بحرانی و حاد سیاسی گفت "شرایط کنونی کشور ایجاب می کند" تا وضع از این که هست "بدتر" نشده است، همه همدل باشیم!

البته این نخستین بار نبود که رفسنجانی، چنین هشدار می داد و خواستار پائین کشیدن فتنه بحث ها و اختلافات می شد. اما از بد اقبالی وی، بحران سیاسی به درجه ای حاد شده است که هشدارها کار ساز نیست. کما اینکه در فردای سخنان

رفسنجانی نیز این مناقشات تشدید گردید و ادامه یافت. بر مبنای شکایت صدا و سیما، علی شکوری راد عضو هیئت رئیسه مجلس به دادگاه احضار شد. اکبر اعلمی نماینده تبریز به اتهام اهانت و نشر اکاذیب، میر دامادی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس و مدیر مسئول روزنامه نوروز به دادگاه احضار شدند. روز بعد از آن نیز محسن آرمین نایب رئیس مجلس، به دادگاه احضار شد و این روند همچنان ادامه دارد. این مناقشات و درگیری ها که بی مناسبت با معرفی کابینه جدید نیست، بدون شک بر سر سهم خواهی و تقسیم پست های مملکتی بیش از پیش تشدید خواهد شد. تا آنجا که یکی از طرفداران خاتمی خطاب به جناح مقابل می گوید "آنها می خواهند در سایه چنین فضائی دست به اقدامات ویژه و حاد بزنند!"

در جریان این مناقشات و کشمکش ها اما از آنجا که ابزارهای مهمی چون شورای نگهبان، قوه قضائیه، سپاه پاسداران، بسیج، رادیو تلویزیون در دست جناح خامنه ای است و شخص ولی فقیه در راس دستگاه حکومتی پشتیبان این جناح است و موازین حقوقی و ساختار حکومتی بر اقدامات و تصمیمات این جناح صحنه می گذارد، جناح خاتمی که نهایت افق دیدش اقدام در چارچوب همین موازین است، راهی جز تمکین و عقب نشینی ندارد. بی دلیل نیست که طرفداران خاتمی نیز هم اکنون از "خطراتی" که این روزها نظام اسلامی را تهدید می کند صحبت می کنند و تاکید دارند که برای حفظ نظام "خارد رچشم و استخوان در گلو" بایستی تهاجمات تشنج آفرین را بی پاسخ بگذارند.

بعد از انتخاب مجدد خاتمی به ریاست جمهوری، طرفداران وی که در مجلس و بیرون مجلس تبلیغات زیادی پیرامون پیروزی خود به راه انداخته بودند، می خواستند وانمود کنند که اوضاع به سود آنها تغییر کرده و جریان امور دیگر به روال گذشته نخواهد بود. نخستین تلاش آنها برای اثبات این توهم باید در مجلسی به محک آزمایش در می آمد که مصلوب الاختیار بود و نشان از تکرار یک دور باطل داشت. معهدا این تلاش برای صدمین بار ثابت کرد که حکومت دینی حتی در چارچوب نیات و سیاستهای مدافعین "اصلاح طلب" آن نیز اصلاح ناپذیر است و هر تحرکی در این زمینه، بر مناقشات درون حکومتی می افزاید و بحران سیاسی را تشدید می کند. کوتاه سخن این که، خاتمی ولو ده دور دیگر هم رئیس جمهور باشد، مادام که این نظام سرنگون نشده است، هیچ بهبودی به نفع توده های مردم حاصل نخواهد شد و در، بر همان پاشنه خواهد چرخید.

## جنبش ۱۸ تیر، ستاره درخشانی در مبارزات دانشجویی

## اخباری از ایران

### \* کارگران گروه قطعات فولادی جاده کرج را مسدود کردند

روزشنبه ۱۶ تیر، کارگران گروه قطعات فولادی که تعدادشان به حدود ۴۰۰ نفر می‌رسید، جاده قدیم کرج را مسدود کردند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. از اواسط سال گذشته حقوق کارگران این کارخانه مداوماً به تعویق افتاد که در نتیجه مبارزه و اعتراض، بخشی از دستمزد کارگران تا پایان سال گذشته پرداخت شد، اما مجدداً از آغاز سال جاری حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشد. کارگران در این تجمع اعتراضی در جاده مخصوص کرج، خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای معوقه خود شدند. نیروهای ضد شورش رژیم به محل تجمع گسیل شدند و با سرکوب و فشار و وعده این که حقوق کارگران آماده پرداخت شدن است، آنها را مجبور نمودند به درون کارخانه بروند.

### \* تجمع اعتراضی کارگران در اصفهان

جمع زیادی از کارگران کارخانه کوه فرد (ناسیونال سابق) اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود و همچنین در اعتراض به سیاستهای مدیریت در زمینه به رکود کشاندن کارخانه، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این اقدام اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت حقوق های معوقه و رسیدگی به مشکلات خود شدند.

### \* تحسن کارگران شهرداری مسجد سلیمان

کارگران شهرداری مسجد سلیمان که سه ماه است حقوق آنها پرداخت نشده است، از روز شنبه ۱۶ تیر دست به اعتصاب زدند و از جمع آوری زباله ها خودداری کردند. این اعتراض چند روز ادامه داشت. کارگران خواستار پرداخت حقوق و مزایای ۳ ماه گذشته هستند.

### \* تحسن کارگران کارخانه کاغذ سازی کارون

تعدادی از کارگران کارخانه کاغذ سازی کارون در شوشتر که عضو تعاونی مسکن کارخانه هستند، در اواسط تیر در اعتراض به مشکل مسئله مسکن در مقابل فرمانداری دست به تحسن زدند. اعتراض کارگران این است

تحقیق حول این ماجرا شکل گرفته، اما هنوز حقایق مخفی نگهداشته می‌شود، از ابعاد واقعی جنایاتی که آفریده شد، تعداد زخمی ها، دستگیر شدگان و کشته شده ها اطلاعات دقیقی منتشر نشده است.

جنبش ۱۸ تیر علیرغم آنکه پس از چند روز سرکوب شد، از جایگاه با اهمیتی در مبارزات دو دهه گذشته برخوردار است. این جنبش در حالی شکل گرفت که مدت زیادی از ریاست جمهوری خاتمی نمی‌گذشت. در سال ۷۶ خاتمی با به عاریت گرفتن برخی شعارهای توده مردم، می‌خواست چنین القا کند که می‌توان در چهار چوب حکومت اسلامی به دمکراسی دست یافت. شعارهای خاتمی در میان بخشی از توده مردم به ویژه نسل جوان به توهماتی نیز دامن زده بود. جنبش ۱۸ تیر پایان توهم به امکان اصلاح جمهوری اسلامی، اعلام گسست از اصلاح طلبان حکومت و بیانگر عزم به مبارزه مستقل با شعارهای مستقل از جناح های حکومت بود. اصلاح طلبان وعده اصلاح حکومت مذهبی را می‌دادند، جنبش ۱۸ تیر با شعار "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی‌شه" و "مرگ بر این حکومت آخوندی" به میدان آمده و آغاز مرحله تازه ای در مبارزات علیه حکومت را نوید داد. این جنبش گرچه توسط دانشجویان آغاز شد، اما به سرعت مورد حمایت توده مردم قرار گرفت. نیمه شب ۱۸ تیر زمانی که نیروهای انتظامی در کوی دانشگاه به دانشجویان حمله کردند، ساکنان منطقه، دانشجویان را مورد حمایت بی دریغ قرار دادند. مردم با دادن میوه و شیرینی و آب به دانشجویان، و پنهان کردن آنها در خانه هایشان، حمایت خود را از این مبارزه اعلام نمودند. در روزهای بعد هزاران تن از مردم با شنیدن خبر حمله مزدوران رژیم به خوابگاه دانشجویان، به مقابل دانشگاه آمدند. در تظاهرات و اعتراض های بعدی، بخش اعظم تظاهرکنندگان را مردمی تشکیل می‌دادند که به دانشجویان پیوسته بودند. رژیم جمهوری اسلامی در این روزها ریشه مرگ را در ستون فقراتش احساس کرد. این را می‌شد در چهره خامنه ای دید، زمانی که پس از سرکوب این جنبش بر صحنه تلویزیون ظاهر شد. او آمده بود تا به اطرفیان و مزدورانش دلگرمی دهد، اما چهره درمانده و درهم شکسته اش هراس از مرگ رژیم را انعکاس می‌داد.

طی ۲ سالی که از تیر ۷۸ می‌گذرد، شعارهای طرح شده در آن روزها، به شعارهای عمومی اغلب اعتراضات توده ای تبدیل شده است. طی این مدت، اعتصابات و اعتراضات کار-

بهبانه حرکت، تعطیلی روزنامه سلام بود. در پی تصویب طرحی در مجلس که انتشار نشریات موجود را نیز محدود می‌کرد، روزنامه سلام با انتشار سندی فاش ساخت که طرح محدود کردن نشریات، در وزارت اطلاعات و توسط سعید امامی تهیه شده است. به دنبال انتشار این سند، روزنامه سلام توقیف شد. عصر روز ۱۸ تیر ۱۳۷۸ دانشجویان در کوی دانشگاه در اعتراض به این امر تظاهرات کردند. تظاهرات به خیابانهای اطراف کشیده شد و ساعتها ادامه یافت. نیمه شب، نیروهای انتظامی و انصار حزب الله به خوابگاه دانشجویان حمله کردند. شیشه ها را خرد کردند، وسائل دانشجویان را تخریب نمودند و برخی از اتاق ها را آتش زدند. آنها دانشجویان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. تعدادی را از پنجره ها به پایین پرتاب نمودند. یکی از دانش جویان را با شلیک گلوله به قتل رساندند و تعدادی را دستگیر کردند. این هجوم وحشیانه، سرمنشاء ۴ روز تظاهرات، تحسن و راهپیمائی شد. هزاران تن از توده های مردم به دانشجویان پیوستند. برای مقابله با مزدوران رژیم، سنگرهای خیابانی ایجاد شد و شعارهای "مرگ بر این حکومت آخوندی"، "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی‌شه"، "مردم قیام شروع شده"، ۲۰ سال سکوت تمام شده"، "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد" در خیابانهای تهران طنین افکند. روزهای ۲۱ و ۲۲ تیر این مبارزه آشکار و رودر رو با حکومت به اوج خود رسید. سرانجام در واپسین ساعات روز ۲۲ تیر نیروهای سرکوبگر رژیم با دستگیری بیش از ۱۰۰۰ تن بر اوضاع مسلط شدند. طی این روزها صدها تن توسط مزدوران رژیم زخمی شدند. به جز عزت ابراهیم نژاد که در کوی دانشگاه به قتل رسید، چند تن دیگر نیز کشته شدند که از جمله می‌توان به یک کارگر، یک دختر دانش آموز یک زن باردار اشاره نمود. همزمان با تهران، در سایر شهرهای بزرگ حرکات مشابهی شکل گرفت. در تبریز دانشجویان وحشیانه سرکوب شدند. در این شهر از ارتش برای سرکوب دانش جویان استفاده شد و جنایاتی آفریده شد که در نوع خود بی نظیرند. آنها از جمله به خوابگاه دختران دانشجو هجوم بردند. دانشجویان را به شدت کتک زدند، تعدادی را با خود بردند، چند تن از دختران را عربان نموده، مورد تجاوز قرار داده و در بیابانهای اطراف رها نمودند. با آنکه ۲ سال از حمله اوباش رژیم به دانشجویان می‌گذرد و در این مدت چندین کمیته و کمیسیون



## \* اوج گیری مبارزات کارگران در کره جنوبی

مبارزات کارگران در سراسر کره جنوبی اوج تازه‌ای گرفته‌است. در سالهای آخر دهه ۹۰ قرن گذشته، طبقه کارگر این کشور شاهد یورش همه جانبه سرمایه داران به سطح زندگی و حقوق صنفی خود بود. نمایندگان سرمایه‌داران دروخت از بحران عمیقی که نظم ضد انسانی سرمایه را به‌کام خود کشیده بود، کارگران را به ضرب لوائح قانونی و ادار نمودند که ساعات کار هفتگی را به حتی ۷۳ ساعت در هفته افزایش داده و در مقابل از دخالت نمایندگان در امر اخراج کارگران جلوگیری شد. به این ترتیب دست سرمایه‌داران در اخراج کارگران به کلی باز گذاشته شده و هر اعتراضی با اخراج و سرکوب خشن و وحشیانه پلیس و ارتش پاسخ داده شد. برقراری نظم مرگبار سرمایه در واقع روی دیگر سکه سیاست اقتصادی بود که از سوی موسسات مالی امپریالیستی به رژیم‌های نظیر کره جنوبی دیکته شده و از آنها می‌خواست که برای تخفیف بحران همه جانبه اقتصادی، موسسات اقتصادی خود را به سرمایه داران خارجی بفروشند. از جمله کارخانجات عظیمی که به موسسات امپریالیستی فروخته شد یکی هم مجتمع اتوموبیل سازی Daewoo می‌باشد. یکی از شروط اولیه خریدار این کارخانه یعنی کمپانی اتوموبیل سازی جنرال موتورز، کاهش تعداد کارگران این کارخانه می‌باشد. کارگران Daewoo هنوز اقدامات ضد کارگری جنرال موتورز را از یاد نبرده اند چرا که مجتمع اتوموبیل سازی Daewoo تا سال ۱۹۹۲ تحت مالکیت جنرال موتورز بوده که در اوایل دهه ۶۰ قرن گذشته و با اوجگیری مبارزات کارگران، وادار به فروش آن به دولت کره جنوبی گردید. اما اکنون با سرکوب مبارزات کارگران و دست‌آورد های مبارزاتی آنان، مجدداً راه برای تصاحب مجدد این کارخانه هموار شده است. در همین راستا روز ۲ یونی، بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران این کارخانه در خیابانهای شهر سئول راه پیمائی نموده و خواستار لغو فروش این کارخانه شدند. در این روز کارگران خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته، افزایش دستمزدها و حقوق بازنشستگی خود شدند. به رغم تظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران، اما

در این روز هم، صدها مامور پلیس به صفوف کارگران حمله‌ور شده و تلاش نمودند که این حرکت را با اعمال سرکوبگرانه متوقف نمایند. همزمان با این اعتصاب، تعدادی کارگران اخراجی کارخانجات Daewoo به آمریکا رفته و ضمن تماس با کارگران جنرال موتورز، از آنها خواستند که با خرید کارخانه Daewoo مخالفت کرده و صاحبان جنرال موتورز را از این کارمنصرف نمایند.

\* - در راستای مبارزه با اجحافات روز افزون سرمایه داران، گسترش بیش از پیش استفاده از ماموران پلیس برای سرکوب حرکات اعتراضی کارگران، افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار هفتگی به ۴۰ ساعت، روز ۱۱ ماه ژوئن، بیش از ۵۰ هزار کارگر کره‌ای، ۱۲۶ موسسه عظیم صنعتی را تعطیل کرده و با راهپیمائی و برپائی تظاهرات در خیابانهای ۱۴ شهر کره جنوبی عزم راسخ خود را برای پیروزی به نمایش گذاردند. در این روز بیش از ۱۱ هزار نفر از کارگران و کارکنان ۱۲ بیمارستان دولتی نیز برای رسیدن به خواسته‌های رفاهی خود کارها را تعطیل کردند. اما کار به همین جا ختم نشد. هزاران نفر از کارگران دو خط هوائی کره جنوبی نیز از همین روز دست به یک‌اعتصاب نامحدود زدند. با آغاز این اعتصاب، پرواز صدها هواپیمای مسافربری متوقف شده و هزاران مسافر در فرودگاه‌ها به انتظار نشستند. روز ۱۵ ژوئن، مقامات دولت با خواسته‌های اعتصابیون خطوط هوائی موافقت کرده و بخشی از کارگران با رسیدن به خواسته‌های خود کار را از سر گرفتند. اما هزاران کارگر بیمارستان اعلام نمودند که تا رسیدن به خواسته‌های خود به سرکار باز نخواهند گشت.

## \* اعتصاب عمومی در کلمبیا

روز ۷ ماه ژوئن، زمانی که دولت ورشکسته کلمبیا خبر توافق خود را با مقامات صندوق بین‌المللی پول مبنی بر پرداخت وامی دیگر به این کشور را اعلام نمود، کاسه صبر میلیونها کارگر، دهقان، معلم و زحمتکش لبریز شده و در یک عکس العمل سراسری و فوری نزدیک به یک میلیون کارگر و معلم دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. اعتصابیون در این روز خیابانهای چند شهر کلمبیا را به اشغال خود درآورده و با برپائی راه پیمائی و تظاهرات اعتراضی خود را به گوش سرمایه داران این کشور رساندند. در این حرکت اعتصابیون خواستار قطع فوری هرگونه رابطه اقتصادی با صندوق بین‌المللی پول شده و اعلام نمودند که بهره‌های میلیونی که به این موسسه مالی امپریالیستی پرداخت می‌شود باید صرف بهبود وضع کارگران و زحمتکشان کلمبیا گردد.

## اخباری از ایران

که در حالی که مبلغی را بابت خرید زمین به حساب زمین شهری واریز کرده و متحمل خساراتی شده اند، اکنون ادعا می‌شود که فرد دیگری مالک این زمین هاست. کارگران به بلاتکلیفی موجود معترض بودند.

## \* تجمع اعتراضی کارگران جامکو در مقابل مجلس

صدها تن از کارگران کارخانه جامکو که ماههاست حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، روز ۵ تیر در مقابل مجلس یک تجمع اعتراضی برپا کردند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه شدند. چند تن از نمایندگان مجلس در این اجتماع اعتراضی کارگران حضور یافتند و به آنها وعده دادند که به زودی خواست‌های آنها متحقق خواهد شد. اما تاکنون هیچ اقدام عملی در این زمینه صورت نگرفته است.

## \* اعتصاب کارگران شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی

حدود هزار تن از کارگران ذغال سنگ البرز مرکزی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود و نیز محرومیت از بیمه درمانی روز ۱۰ تیر ماه دست از کار کشیدند و در محوطه اداری معدن تجمع نمودند. مدتی است که حقوق و مزایای کارگران بخشا پرداخت می‌شود و تا کنون بخشی از حقوق و مزایا پرداخت نشده است. علاوه بر این شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی بدهی خود را به بیمارستانهای طرف قرارداد نپرداخته است و از اینرو پنج واحد بیمارستانی در مازندران از پذیرش و مداوای کارگران سرباز میزند.

## \* تجمع کارآموزان سابق شرکت نفت در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت

حدود ۵۰ تن از کارآموزان سابق شرکت نفت، به عنوان اعتراض به عدم جوابگویی شرکت یکباردیگر در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت اجتماع نمودند. کارآموزان می‌گویند، بر طبق اطلاعاتی که شرکت نفت در سال ۷۳ انتشار داده است، قرار بر این بود که تعدادی افراد پس از آزمون و گذراندن دوره کارآموزی در تاسیسات نفت و گاز مشغول به کار شوند. اما بعد از ۲ سال کارآموزی از استخدام کارآموزان سرباز زده است. کارآموزان در این تجمع اعتراضی خواستار روشن شدن وضعیت خود شدند.

مؤثرترین شیوه مقابله با توطئه اخراج، اشغال کارخانه است

**جنبش ۱۸ تیر،**
**ستاره درخشانی در مبارزات دانشجویی**

گری به نحو چشم‌گیری گسترش یافته و اشکال اعتناء یافته‌تری از مبارزه توسط کارگران به کار گرفته می‌شود. آنجا که مسئله مطالبات کارگری و توده‌ای در میان است، عموماً وحشت از برپایی اعتراض رنگ باخته است. اقدامات اعتراضی توده‌ای و کارگری به امری روز مره تبدیل شده‌اند. گرچه به دلیل پنانسیل سیاسی بالای موجود در جامعه و وحشی‌گری حکومت در مقابله با اعتراضات، هر حرکت صنفی و رفاهی نیز به سرعت رنگ سیاسی به خود می‌گیرد، اما عدم وجود سازماندهی و پراکنده بودن این حرکات، ارتقاء آنها به سطح یک مبارزه سازمان یافته و جهت دار را به امری طولانی و فرسایشی تبدیل کرده است. اینجا ضعف عامل ذهنی تاثیرمستقیم خود را بر مبارزه عملی برجای می‌گذارد. ضعف عامل ذهنی، بر ارتقاء جنبش دانش‌جوئی نیز تاثیر خود را برجای گذاشته است. ۲ سال پس از تیر ۷۸، تشکلهای دانشجویی وابسته به جناح‌های حکومت کاملاً منزوی شده‌اند، اندک نفوذ خود را در میان دانش‌جویان از دست داده‌اند و در تشتت و پراکندگی مفرط بسر می‌برند به شکلی که جز برگزاری سمینارها و سخنرانی‌ها قادر به کار دیگری نیستند. باین وجود، توده‌های وسیع دانشجو هم که عموماً تفکر لائیک دارند و ایده‌های چپ نیز در میان آنان نفوذ دارند، فاقد سازماندهی هستند. این یکی از نقاط ضعف دانشجویان رادیکال دانشگاه‌هاست که باید بر آن غلبه کنند و به مبارزه خود شکلی سازمان یافته بدهند. بخش اعظم دانشجویان دانشگاه‌ها فرزندان کارگران و اقشار زحمت‌کش جامعه هستند. لذا خواست‌هایشان از خواست‌های این اقشار و طبقات رنگ می‌گیرد. این بخش از دانشجویان که به سبب خاستگاه طبقاتی خود مدافع عدالت اجتماعی، دمکراسی پی‌گیر و حاکمیت توده‌ها بر سرنوشت خویش هستند، می‌باید مبارزات خود را به مبارزه کارگران و زحمتکشان پیوند زنند و از مطالبات جنبش کارگری و توده‌ای و مطالبات زنان حمایت کنند، این واقعیتی است که قلع و قمع و سرکوب سیستماتیک نیروهای چپ و مترقی دانشگاه‌ها و اخراج هزاران دانشجو و اساتید مترقی و چپ، تاثیر منفی خود را بر جنبش دانشجویی ایران که از سنت‌های مترقی و چپ برخوردار بوده است، بر جای نهاده است. معهذا روند مبارزه، مداوماً توهمات بورژوازی و مذهبی غالب بر جنبش دانشجویی را می‌زداید و گرایش چپ را مجدداً تقویت می‌کند.

این روندی است که از ۱۸ تیر تا به امروز به سرعت طی شده است. جنبش دانشجویی

**خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان**

در تاریخ ۱۲ تیر اطلاعیه‌ای تحت عنوان «اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ البرز مرکزی» در حمایت از کارگران معدن و مطالبات آنها انتشار یافت. در این اطلاعیه با اشاره به اعتصاب حدود هزارتن از کارگران معادن ذغال سنگ البرز مرکزی و مطالبات آنها از جمله پرداخت حقوق و مزایای معوقه و نیز روشن شدن تکلیف بیمه درمانی کارگران، گفته شده است که «کارگران معادن ذغال سنگ در ایران که با شرایط دشوار و مخاطره آمیزی روبرو هستند و هرسال به علت نا ایمنی محیط کار تعدادی جان خود را از دست می‌دهند یا معلول می‌شوند، اغلب به بیماری‌های مختلف مبتلا هستند. سرمایه داران و دولت آنها نه تنها از تامین امکانات ایمنی و بهداشتی لازم در معادن ذغال سنگ سرباز می‌زنند، نه تنها حقوق و مزایای ناچیز کارگران را به موقع نمی‌پردازند، بلکه به انحاء مختلف کارگران را از بیمه درمانی نیز محروم می‌کنند.»

«از مطالبات و مبارزات پناهجویان ایرانی در شهر وان حمایت کنیم» عنوان اطلاعیه‌ایست که در تاریخ ۴ ژوئیه از سوی تشکیلات خارج کشور سازمان انتشار یافت.

اطلاعیه می‌گوید که روز سه شنبه ۳ ژوئیه صدها تن از پناهجویان مقابل دفتر یو-ان در شهروان ترکیه اجتماع کردند و خواستار آن شدند تا رئیس یو-ان با هیئتی از پناهجویان ملاقات کند و در جریان مشکلات آنها قرار بگیرد. این درخواست مورد قبول قرار نگرفت و در عوض پلیس پناهجویان را مورد حمله قرارداد. معهذا پناهجویان به اعتراض و تظاهرات خود ادامه دادند. اطلاعیه سپس با اشاره به وضعیت غیرقابل تحمل پناهجویان ساکن شهر وان ترکیه، بلاتکلیفی آنها و فشارها و تضییقاتی که پلیس ایجاد کرده است، این اقدامات و نیز دیپورت پناهجویان را محکوم نموده و ضمن ابراز همستگی با مبارزات پناهجویان خواستار آن شده است که: پرونده تمامی پناهجویان بسته مطلق مجدداً بررسی شود.

پرونده صدها پناهجو که مدت‌هاست بلاتکلیف‌اند مورد بررسی قرار گیرد. دولت ترکیه دیپورت پناهجویان ایرانی را متوقف سازد.

تمام مقررات نظامی و شبه فاشیستی علیه پناهجویان لغو گردد. مادام که پناهجویان به کشوری امن منتقل نشده‌اند و ناگزیرند در ترکیه بسر برند از شرایط زندگی انسانی برخوردار شوند.

با تقویت گرایش‌های چپ رادیکال ترمی‌شود. با رادیکال‌تر شدن این جنبش، پیوند‌های آن با جنبش‌های کارگران، زنان، زحمتکشان و تهیدستان مستحکم‌تر می‌گردد و هنگامی که این جنبش‌ها به قدر کافی اعتناء یافت، در یک جنبش واحد سراسری به حیات ننگین جمهوری اسلامی پایان خواهند داد.

**اعتراضات و تظاهرات**
**توده‌ای علیه کمبود و قطع آب**

به جای خود، بیکاری و فقر به جای خود، حتی یک لحظه به فکر تامین آب مورد نیاز مردم نبودند و حالا هم گویا چیزی از مردم طلب کارند و می‌گویند به خاطر رفاه حال شما آب راجیره بندی کرده‌ایم که کمبود آب جبران گردد. آب در ایران جیره بندی شده است، مردم در عذاب بسر می‌برند، اما هم اکنون نیز هیچ اقدام جدی برای تامین آب مورد نیاز مردم انجام نمی‌گیرد. بالعکس، برای این که جیب‌های خود را بیشتر پرکنند، قراردادهای عریض و طویل برای انتقال و فروش آب به کشورهای دیگر امضاء می‌کنند. مردم ایران همه این واقعیات را می‌بینند و می‌شناسند. آنها به خوبی آگاهند که مسئول و مسبب کم‌آبی هم‌رژیم جمهوری اسلامی است که هیچ اقدام جدی برای تامین آب مورد نیاز مردم انجام نداده است. لذا با اعلام سیاست جیره بندی آب و قطع دوره ای آن، صدای اعتراض مردم درهمجا بلند شد. این اعتراضات در برخی از شهرها، در استان فارس، خراسان، همدان و اصفهان شکلی علنی‌تر به خود گرفت. در این میان در اصفهان اعتراض به تظاهرات و سنگر بندی خیابانی منجر گردید. روز دهم تیرماه جمع کثیری از مردم زحمتکش خیابان فروغی اصفهان در اعتراض به قطع مداوم آب تظاهرات خود را آغاز نمودند. نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی برای متفرق کردن مردم به زور متوسل شدند. این اقدام نیروهای ضد شورش منجر به گسترش اعتراضات، حمله به تاسیسات دولتی، بانکها، برفروختن آتش در میان خیابانها و سنگر بندی و درگیری بانبروهای پلیس شد. این اعتراضات تا حوالی شب ادامه داشت. دهها تن از مردم توسط پلیس بازداشت شدند که تعداد آن رسماً ۴۴ تن اعلام شد. این اعتراض و اعتراضات مشابه دیگر نشان می‌دهند که مردم ایران در تمام عرصه‌ها در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بپا خاسته‌اند و در برابر زورگویی‌های حکومت، اعتراض خود را در شکل مبارزه‌ای مستقیم و علنی علیه رژیم ابراز می‌دارند. اعتراضات مردم شهرهای مختلف به کمبود و قطع آب، هرچند که اعتراض به یکی از سیاستهای ارتجاعی حکومت است، اما در حقیقت حلقه دیگری از زنجیره جنبش‌های توده‌ای کارگران و زحمتکشان و تهیدستان شهرها علیه کلیت سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی است. تمام این جویبارهای جنبش‌های اعتراضی توده‌ای در یک چیز مشترکند. آنها نظم موجود را نفی می‌کنند.

**جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است**

## مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۱۰)

در شماره قبل، زنان در کمون پاریس و اتحادیه زنان از کتاب "مبارزه طبقاتی و رهایی زنان" نوشته تونی کلیف درج شد. این شماره به عملکرد زنان اختصاص دارد.

### زنان در عمل

زنان همچنین در تولید اسلحه مورد نیاز برای دفاع از کمون نقش محوری داشتند. "به نظر می‌رسد که ۳ هزار زن در موسسات تولید فشنگ شغال بودند، "لیسا گری" (Lissa Gray) اتاق کار هیئت تدارکاتی را چنین تشریح می‌کند که در آن ۱۵۰۰ زن به دوختن کیسه‌های شن مشغول بودند؛ یک دختر بلند قد و زیبا به نام "مارتا" کار را تقسیم می‌کرد. وی شالی قرمز با حاشیه‌ای نقره‌ای می‌پوشید که دوستانش به او هدیه کرده بودند. آنها با خواندن ترانه‌های شاد، وظایفشان را انجام می‌دادند. هر روز عصر، دستمزدها پرداخت می‌شد. کارگران در ازای کارشان دستمزد کامل دریافت می‌کردند. ازای (دوختن) هر کیسه ۸ سانتیمتر می‌گرفتند در حالی که پیش از آن، حداکثر در ازای هر کیسه تنها ۲ سانتیمتر دریافت می‌کردند. ("زنان فتنه‌انگیز- ادیت توماس - صفحات ۶۶ و ۶۷). دیمتریف (از رهبران اتحادیه زنان) تولید تعاونی را که با فرارصاحبان موسسات پاریس و رهاکردن این مراکز، حاکم می‌شد، به مثابه سرآغاز تجدید سازماندهی سوسیالیستی اقتصاد ارزیابی می‌کرد. او در گزارشی خطاب به کمیسیون کار و مبادله که توسط کمون پایه ریزی شده بود، چنین نوشت: "هر تجدید سازماندهی که منافع تولیدکننده را مد نظر داشته باشد، تنها از طریق انجمن‌های آزاد تولیدکنندگان میسر خواهد بود که از صنایع مختلف به نفع کلکتیو خود استفاده مفید خواهند کرد. در جریان رهایی کار از فید استثمار سرمایه، تشکیل چنین سازماندهایی سرانجام به کارگران امکان خواهد داد که اداره امور را در دست بگیرند. این امر نه تنها مناسبات اجتماعی تولید، بلکه همچنین اشکال غیر انسانی کار را تغییر می‌دهد. تنوع مطلقاً ضروری ست، چرا که تکرار مستمر و یکنواخت حرکت دستی، تأثیرات مرگباری بر جسم و جان برجای می‌گذارد.

کاهش ساعات کار روزانه نیز باید مورد توجه قرار گیرد چرا که تحلیل بنیة فیزیکی، به ناچار استهلاک قوه ذهنی را به دنبال دارد. سرانجام، این ایده خوبی خواهد بود که "هر نوع رقابت بین کارگران زن و مرد" ملغی گردد چرا که آنها در مبارزه علیه سرمایه داری، منافع واحدی دارند. باید درازای کار مساوی، دستمزد مساوی پرداخت گردد. ("همانجا- ص ۷۰) زنان از راندن آمبولانس، تا پرستاری از مجروحین فعال بودند. آنها مسئولیت اصلی سازماندهی آشپزخانه و تهیه سوپ برای فقرا را برعهده داشتند. زنان نقش مهمی در تهیه و تنظیم و بخشا اجرای یک رشته فرم‌های مترقی در عرصه آموزش، ایفا نمودند. از هر ۳ کودک پاریسی، یک کودک از هرگونه تحصیلات محروم بود. نیمی از آنها، که هم‌اتحصیلات

برخورداری بودند، به مدارس کلیساها می‌رفتند. تحصیل دختران بیش از پسران در کنترل کلیسا بود. "کمون گام‌های مهمی در جهت دگرگونی این وضعیت و برقرارکردن یک سیستم تحصیل اجباری و رایگان، رها از نفوذ کلیسا، مبتنی بر موازنه‌های از علوم و ادبیات و هنرها و ترکیب آنها با آموزش فنی مفید و ثمر بخش، برداشت و به تحصیل دختران توجه ویژه‌ای می‌ذول شد چرا که تا کنون بیش از همه نادیده انگاشته شده بودند. کمیسیون ویژه‌ای که کلیه اعضاء آن زن بودند، برای نظارت بر حسن اجرای ایجاد مدارس دخترانه تشکیل شد. یک مدرسه فنی نیز برای دختران ایجاد شد. به منظور کمک به زنان کارگر، نخستین تلاش‌ها برای ایجاد مهد کودک در مجاورت کارخانه‌ها صورت گرفت. ("همانجا ص ۲۰)

این تلاش‌های کمون در عرصه آموزش و پرورش، اولین گام‌ها در جهت برابری و آزادی زنان بود. متأسفانه تاریخ فرصت نداد که این اقدامات به نتایج مهم و ماندگاری بیانجامد. بسیاری از زنان و سازمانهای آنها، برخوردی خصمانه و ارتجاعی به فواحش داشتند. از همین رو بود که باشگاه مدرسه پزشکی، خواهان آن بود که "تمام زنانی که از نظر اخلاقیات مظنون اند و در پی حرفه شرم آور خود در معابر عمومی هستند و نیز افراد دائم‌الخمی که عزت و شرافت نفس را به فراموشی سپرده‌اند، به فوریت بازداشت شوند" کافه‌ها راس ساعت ۱۱ شب تعطیل شوند. استعمال دخانیات در کنسرت‌ها ممنوع گردد. این سند به اتفاق مورد تصویب قرار گرفت. ساکنین مناطق ۱ و ۲ به شوراها، شهرداری منطقه یازدهم، به خاطر اتخاذ اقداماتی علیه فواحش و دائم‌الخمیها، تبریک گفت و خواهان تصویب مقررات مشابه در مناطق مجاور شدند. . . . اعضاء کمون در منطقه پانزدهم، فواحش و دائم‌الخمیها را دستگیر نمودند. ("همانجا ص ۸۰)

اما بسیاری از زنان برخورد متفاوتی به این مسئله داشتند و بسیاری از فواحش شجاعانه اعلام آمادگی کردند تا برای کمون بجنگند. "آماندا" که یک فاحشه بود، در کلوب "سن سوران" پیشنهاد تشکیل گردانی متشکل از فواحش را داد.

"لویی میشل" یکی از رهبران زن کمونارد، تا بدانجا پیش رفت که هرگونه محکومیت اخلاقی فواحش را رد نمود. او می‌گفت: "چه کسی بیش از آنهایی حق خواهد داشت که قربانیان غم‌انگیز دنیای کهنه‌اند. . . . و جان خود را برای جهانی نوین ایثار می‌کنند؟" او فواحش را به پیوستن به کمیته زنان (کمیته مراقبت و نظارت اتحاد زنان منطقه ۱۸) هدایت کرد. این کمیته فضائی داشت که این زنان را به گرمی پذیرفت. این فواحش گفتند: "ما هرگز موجب شرمساری کمون نخواهیم شد." به راستی هم بسیاری از آنها در هفته خونین ماه مه، زمانی که کمون سرکوب می‌شد، با شجاعت درسنگرها جان باختند. ("همانجا ص ۹۰)

به گفته ادیت توماس، با این وجود اغلب فواحش حامیان قابل اعتماد کمون نبودند: ". . . اغلب آنان به خاطر حرفه‌شان به کلی فاسد شده بودند، با پلیس همکاری می‌کردند و برنظم کهنه ارج

می‌نهادند. (همانجا- ص ۲۰۱)

کمون همچنین شاهد اولین جوانه‌های رشد اخلاقیات جنسی جدید و رهایی زنان بود. ازدواج به شدت محکوم شد. کمون تاریخ ۱۰ آوریل، برای زنان بیوه فرزندان "شهروندانی که در دفاع از حقوق مردم کشته شده بودند"، خواه فرزندانشان مشروع بودند، خواه نامشروع، یک مستمری تعیین نمود. این در واقع به معنای همطرا قرار دادن پیمان آزادانه متداول در میان طبقه کارگر ساکن پاریس، با ازدواج بود. به گفته "آرنولد"، "این مصوبه متعاقباً و تا حدودی امیدوارکننده، ضربه‌ای مرگبار به نهاد مذهبی - سلطنتی ازدواج وارد آورد، به نحوی که ما در جامعه مدرن شاهد عملکرد آن هستیم."

برخی از زنان می‌خواستند از این حد، فراتر روند. یک زن در باشگاه خلقی و عمومی در کلیسای "سن ژاک" علیه ازدواج به اظهار نظر پرداخت و آن را بزرگترین اشتباه پیشینیان نامید. او پیشنهاد کرد که تنها رزمندگان مجرد گارد ملی که در نبرد کشته شده‌اند، مستمری دریافت نمایند: "همه چیز برای زنان آزاد، هیچ چیز برای بردگان." (کمون پاریس ۱۸۷۱- لندن- ص ۲۹۰)

سنت‌های نیرومند جمهوری خواهی، تأثیرات قدرتمندی بر زندگی سیاسی و معنوی فرانسه از ۱۸۷۹ بر جای گذارده بودند. چون کلیسای کاتولیک علیه انقلاب جنگیده بود، سن جمهوری خواهانه آنتی کلریکالیسم (روحانیت ستیزی) را در جایگاه محوری در مجادلات سیاسی قرار داده بود و برای آموزش، اهمیت فراوانی قائل بود و در سراسر قرن نوزدهم برای کنترل آن علیه کلیسا مبارزه کرده بود.

در جریان انقلاب فرانسه که زنان کارگر و فرزند-انسان از گرسنگی جان می‌باختند، آنها از یک موضع انقلابی افراطی به موضع کاتولیسیم ضد انقلابی چرخیدند. به این علت، سنت جمهوری خواهی، آنتی فمینیست شده بود. این براساس عدم اعتماد سیاسی عمومی به زنان بود چرا که اینطور گمان می‌رفت که، زنان بیشتر تحت تأثیر کشیش‌ها هستند تا مردان. بنابراین کمون حتی به فکر اعطای حق رای به زنان نبود. ". . . اهداف کمون، که در بیانیه‌ای خطاب به مردم فرانسه مطرح شدند، موجودیت زنان را مد نظر قرار ندادند. مردان کمون حتی همچون "انکار گران بزرگ" ۱۷۸۹ و ۱۷۹۳ یا انقلابیون ۱۸۴۸ حتی برای یک لحظه هم تصور نمی‌کردند که زنان هم ممکن است حقوق مدنی داشته باشند. از همین رو ما با یکی از عجیب‌ترین پارادوکس‌های کمون روبرو هستیم: زنان طبقه کارگر نقشی برجسته در انقلابی ایفا کردند که حتی به آنها اجازه رای دادن نداد. این رایه هر حال نه صرفاً به عنوان آنتی فمینیسم بلکه به مثابه بخشی از عدم بلوغ سیاسی کمون باید در نظر گرفت. انتخابات کمون بر مبنای سیستم حق رای موجود و بر زمینه خصومت شدید مناطق ثروتمند برگزار شده بود. کموناردها هرگز نقش و ماهیت دولت را درک نکردند و بر "شورش قانونی" اصرار ورزیدند."

\* در شماره آینده به واپسین روزهای کمون پرداخته خواهد شد.



## منازعه بر سر سهم هر جناح

### از رشوه قراردادهای نفتی ست

است؛ چیز دیگری جز این واقعیت نیست که سرمایه‌داران داخلی یا خارجی سهم بیشتری از استثمار کارگران و غارت منافع ملی ببرند. ثانیاً - انعقاد این قراردادها منافع دیگری برای بخش‌هایی از بورژوازی حاکم دارد که به عنوان پورسانت‌های نفتی از آن یاد می‌شود. با انعقاد هر قراردادی به ویژه در زمینه نفت و گاز، مقامات دولتی درصد معینی که گاه سر به میلیونها دلار می‌زند، دریافت می‌کنند و آن را بین خود تقسیم می‌نمایند. در گذشته یعنی در دوران رفسنجانی این شکل از حق و حساب‌گیری و رشوه‌خواری مقامات دولتی، تقریباً علنی بود. در دوران خاتمی این پورسانت‌گیری مقامات دولتی شکلی غیرمستقیم و پیچیده تر به خود گرفته است. این پورسانت‌های چندین میلیون دلاری در گذشته به طرفداران جناح خامنه‌ای تعلق می‌گرفت و اکنون نصیب طرفداران خاتمی می‌شود. همین مسئله نیز اکنون به مسئله مورد مناقشه جناح‌ها تبدیل شده‌است و افشاگری‌های را در پی داشته‌است.

از مدتی پیش فراکسیون اقلیت مجلس ارتجاع اسلامی که وابسته به جناح خامنه‌ای است و نیز روزنامه‌های طرفدار آنها مسئله قرار دادهای بیع متقابل را که در دوران خاتمی بسته شده‌اند، زیر سؤال بردند و خواهان اطلاع‌آزمفاد آنها شدند. بدیهی بود که پشت طرح این مسئله منافع مادی مشخصی قرار دارد که مورد منازعه دو جناح‌است. چون در واقع خود آنها نیز نه تنها مخالفتی با چنین قراردادی‌های ندارند بلکه مستقیم و غیر مستقیم از مفاد این قرار دادهای نیز مطلع‌اند. اما چنین به نظر می‌رسد که طرفین نتوانستند بر سر این مسئله به توافق برسند. لذا تهدید به افشاگری در دستور کار طرفداران خامنه‌ای قرار گرفت. جنتی در یکی از سخنرانی‌های خود تهدید کرد که اسامی کسانی را که میلیون‌ها میلیون از شرکت‌های نفتی رشوه گرفتند و آنها را به حساب‌های خود در بانک‌های خارجی سرازیر کرده‌اند، افشاء خواهد کرد. حالا دیگر تنها این توده مردم ایران نیستند که از دزدی‌ها و رشوه‌خواریهای کلان‌سرن حکومت اسلامی و پس‌انداز کردن آنها در بانک‌های اروپائی سخن می‌گویند، بلکه سخنگوی شورای نگهبان حکومت اسلامی ست که از میلیون، میلیون پورسانت و سپرده‌های میلیونی سرن و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی در بانک‌های اروپائی سخن می‌گوید. لذا وزارت نفت ناگزیر به پاسخگویی شد. اظهارات جنتی را تکذیب نمود و خواهان ارائه اسناد، نام اشخاص و شماره حساب‌های آنها گردید. جنتی نیز اعلام نمود که اسناد را به دستگاه

## گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

آبونه نشریه فرستاده بودید دریافت گردید. پیروز باشید.

**انگلستان** - مشترک گرامی، ق؛ با پوزش از اینکه نشریه کار شماره ۳۵۹ اشتباهاً به آدرس قبلی شما ارسال شده بود. لازم به توضیح است که به‌علت به وجود آمدن اشکال فنی در کامپیوتر، واحد انتشارات با مراجعه بایگانی گذشته نشریه را برایتان ارسال نموده‌است. بایرطرف شدن اشکال، نشریه کار از شماره ۳۶۰ مجدداً به همان آدرس مورد نظر شما ارسال شده‌است. پیروز باشید.

**بلژیک** - رفیق عزیز، ر؛ نامه شما را همراه با ۵۰۰ فرانکی که بابت آبونه نشریه کار فرستاده بودید دریافت کردیم. نشریه کار برای شما ارسال می‌شود. پیروز باشید.

\* - از آلمان مطلبی با عنوان "خرداد ۸۰ حذف کامل جمهوریت نظام" با امضاء س. ش. واهلند نیز مطلبی تحت عنوان "نگاهی به هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران" با امضاء "سوسیالیست‌های مسلمان" به آدرس سازمان رسیده‌است.

سوئد - همچنین از سوئد، گزارشی در مورد دیدار بوش از سوئد و برگزاری اجلاس اتحادیه اروپا برایمان ارسال شده‌است. در این گزارش از جمله به تظاهرات اعتراض آمیز و گسترده مردم و نیروهای مترقی سوئد و نیز اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه پلیس اشاره شده‌است. جا دارد که از رفیق تهیه کننده گزارش تشکر کنیم و به اطلاع برسانیم که در شماره قبلی نشریه کار، مطلبی در همین رابطه به چاپ رسیده‌است.

طرح را به‌انحصارات نفتی بین‌المللی واگذار می‌نماید که در این میان صدها میلیون دلار به دست می‌آورد.

پس تردیدی نیست که تمام منازعات جناح‌ها بر سر قراردادهای بیع متقابل به منازعه بر سر سهم هریک از آنها از رشوه یا پورسانتی باز می‌گردد که حاصل هر قرارداد نفتی ست. تفاوتی هم نمی‌کند که مستقیماً این رشوه را به صورت درصدی از مبلغ قرار داد دریافت کنند، یا غیر مستقیم از طریق ایجاد یک شرکت دیگر که نقش واسطه را در این میان بر عهده می‌گیرد. لذا واضح است که هم انحصارات بین‌المللی و هم رژیم حاکم بر ایران منافع کلانی از قبل قراردادهای بیع متقابل عاید خود می‌سازند. آنچه در این میان مطرح نیست و اصولاً نمی‌تواند تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری حاکم بر ایران مطرح باشد، منافع توده‌های زحمتکش مردم ایران است.

توضیح کوتاهی بر ستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده.

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، به معنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار می‌باشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم می‌گیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه‌ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است. نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت‌هایی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکل‌های دمکراتیک دریافت می‌کند، انتخاب کرده و آنرا به چاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً به معنی تأیید مواضع نویسندگان نامه و یا تشکلهای آنها نیست.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند درخواست می‌کنیم نامه خود را اگر تایپ نمی‌کنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی.

**دانمارک** - دوست گرامی غ. نامه شما را دریافت کردیم. آدرس شما در اختیار واحد انتشارات سازمان قرار گرفته‌است. نشریه کار از شماره ۳۶۰ و همچنین شرایط آبونه نشریه کار برایتان ارسال شده‌است. جهت‌آشنایی با مواضع سازمان می‌توانید به آرشیو نشریه کار و مصوبات کنفرانس‌های سازمان مراجعه کنید. معهداً به این منظور یک نسخه برنامه و برنامه عمل سازمان را به آدرس جدیدی که داده بودید برایتان فرستادیم. در ضمن مبلغ ۲۰۰ کرون که بابت

قضائی داده است. وقتی که ماجرا به این مرحله رسید، وزیر نفت حکومت اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی تهدید کرد که اگر جنتی لیستی انتشار دهد، وزارت نفت نیز متقابلاً لیست دیگری از رانت خواران نفتی را منتشر خواهد ساخت.

در این اثناء با یک افشاگری طرفداران خامنه‌ای دیگر کاملاً بر همگان روشن شد که تمام این مناقشه بر سر سهمی ست که جناح‌های هیئت حاکمه از پورسانت‌های قراردادهای نفتی طلب می‌کنند. در جریان این افشاگری، مسئله یک شرکت نفتی به نام پترو پارس به میان آمد که در انگلیس به ثبت رسیده‌است. هیئت مدیره آن را چند تن از "اصلاح‌طلبان" تشکیل می‌دهند و آقای بهزاد نبوی در راس آن قرار گرفته‌است. وزارت نفت بخشی از طرح‌های خود را که در برخی موارد سر به ۷ میلیارد دلار زده است، به این شرکت واگذار می‌کند. سپس این شرکت

## منازعه بر سر سهم هر جناح از رشوه قراردادهای نفتی است

خاتمی‌هنگامی که به قدرت رسید، سیاستهای اقتصادی رفسنجانی را با سرعت و وسعت بیشتری ادامه داد. تسهیلات و امکانات بیشتری برای سرمایه‌داران داخلی و خارجی فراهم نمود و توسعه و گسترش قراردادهای بیع متقابل رایبه ویژه در زمینه بهره برداری از منابع نفت و گاز در دستور کار قرارداد. لذا درمدتی کوتاه ۱۱ قرارداد از این نوع به ارزش ۱۱/۵ میلیارد دلار با انحصارات نفتی بسته شد. سران جمهوری اسلامی که زمانی ادعا می‌کردند شاه مملکت را به ابرقدرتها فروخته است و شرکت‌های بین المللی فعال مایشاء درایران هستند و حال آنکه حکومت اسلامی کشور را از دست آنها درآورد، حالا با خوشحالی افزایش این قراردادها، صدور سرمایه بین‌المللی به ایران راجع دست‌آورد ها و افتخارات خود می‌دانند. انحصارات بین المللی هم که سرمایه خود را به ایران صادر کرده‌اند، حسابی خوشحالند و رضایت خود را به ویژه در مورد قرار دادهای بیع متقابل ابراز می‌دارند. انحصارات بین - المللی نفت که یک پای این قراردادها هستند، منافع کلانی عاید خود ساخته‌اند. سودی که آنها از طریق این قراردادها به دست می‌آورند، متجاوز از صد درصد است. بخشی از این سود به عنوان بهره سرمایه صادر شده اخذ می‌گردد که معمولاً چند در صد بالاتر از نرخ بهره بانکی است. بخش دیگری از بابت حق الزحمه پیمانکاری است و بالاخره یک بخش آن نیز در جریان ظاهراً خرید نفت عاید انحصارات می‌گردد. به عنوان نمونه می‌توان به قرارداد بیع متقابل میان حکومت اسلامی و شل اشاره کرد. برطبق این قرارداد، شل معادل ۸۰۰ میلیون دلار در میادین نفتی نوروژ و سروش سرمایه گذاری می‌کند و در ازای آن ۴۵۰ میلیون دلار به عنوان حق الزحمه پیمانکاری می‌گیرد. سپس هنگامی که طرح به بهره برداری رسید، در ازای اصل سرمایه، بهره آن و حق الزحمه پیمانکاری، نفت طرح مورد بحث را ظاهراً به قیمت روز می‌خرد. امادر واقع در اینجا نیز سود دیگری عاید خود می‌سازد، نه فقط از بابت فروش آن در بازار بین‌المللی، بلکه به این علت که هربیشکه نفت را به بهائی ارزان ترمی‌خرد. چنانچه امروز شایع است که برطبق مفاد مخفی این قراردادها، هربیشکه نفت تنها به بهائی

یک سوم آن، به انحصارات واگذار می‌گردد. یکی از دلایل مخفی نگهداشتن قراردادهای بیع متقابل به ویژه در عرصه نفت و گاز، همین مسئله است. خلاصه مطلب این که؛ برطبق قراردادهای بیع متقابل، انحصارات بین المللی نفت، در میادین نفت و گاز سرمایه گذاری می‌کنند و بدون این که موظف باشند در ازای این بهره برداری چیزی بپردازند، تا مدتها مالک ثروت‌های متعلق به مردم هستند، حاصل دسترنج کارگران را به جیب می‌زنند و منابع زیر زمینی را به یغما می‌برند. پس بدیهی است که آنها باید از انعقاد چنین قراردادهائی خرسند باشند و رضایت خود را از اوضاع ابراز دارند. این قراردادها چنان اسارت بار و رسوا هستند که رژیم جمهوری اسلامی جرات علنی کردن آنها را ندارد. نه تنها توده‌های مردم ایران که صاحبان اصلی منابع نفت و گازند از مفاد این قراردادها بی اطلاعند، بلکه حتی از برخی ارگانها و نهادهای رژیم نظیر مجلس ارتجاع اسلامی که ظاهراً باید در جریان کامل این قراردادها باشند، مخفی نگه داشته شده‌اند. مقامات وزارت نفت نیز رسماً اعلام کرده اند که مفاد این قراردادها را علنی نخواهند کرد، چون مغایر "منافع ملی" است. روشن است که منظور از منافع ملی، منافع طبقه سرمایه دارحاکم و رژیم پاسدارمنافع آن، جمهوری اسلامی است. این منافع به دو طریق تامین می‌شود. نخست این که طبقه حاکم و نمایندگان سیاسی آن در تلاشند از طریق جلب سرمایه‌های خارجی بر بحران اقتصادی موجود غلبه کنند. امروز تمام دستجات هیئت حاکمه و حتی جریانات بورژوازی خارج از حاکمیت بر سر این مسئله توافق دارند که نجات نظام سرمایه داری حاکم بر ایران از طریق مداخله هرچه بیشتر انحصارات بین المللی و صدور سرمایه به ایران ممکن است. گروه‌های طرفدار خاتمی و خامنه‌ای در این زمینه تنها نیستند. این حرف جبهه ملی، نهضت آزادی، سلطنت طلبان و دیگر جریانات و سازمانهای طرفدار سرمایه داری نیز هست. منتها اختلافی که میان آنها وجود دارد، این است که "منافع ملی" کمتر یا بیشتر تامین می‌شود. یعنی سهم کمتر یا بیشتری از سود عاید بورژوازی داخلی شود. تمام جنجال‌های که اکنون در جریان این قراردادها بر سر "منافع ملی" راه افتاده

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

**آلمان**  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

**دانمارک**  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M . A . M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecurbe  
75015 Paris  
France

**هلند**  
P . B . 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

شماره فکس  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority.org

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)

No.362 juli 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی